

جایگاه پیر هرات در حوزه شعر

نویسنده: پوهنوال فضل الرحمن فقیهه

چکیده

شیخ الاسلام انصاری در پهلوی سایر برازنده گی هایش در شعر و ادب جایگاه والایی داشته است. او در پهلوی ایجاد آثار مثنوی در ادب فارسی دری، به سرایش شعر در دو زبان فارسی دری و عربی پرداخته است. گزارش تذکره‌ها و کتب تراجم و طبقات، مشعر انتساب اشعار زیادی به پیر هرات اند. هرچند از آن همه شعر شیخ الاسلام، تعداد کمتری در دست اند، با این هم آنچه باقی مانده ارزنده و قابل اعتنا می‌باشد.

شعرهای باقی مانده از شیخ الاسلام انصاری در قالب‌های متنوع، با محتوای عرفانی، همراه با وصف پدیده‌ها و معنویت گرایی ارائه شده اند. این معنویت گرایی در شعر وی باعث شده که شماری از شاعران روزگاران بعدی، از شعرش تأثیر پذیر شوند. هرچند شماری سنایی را

آغازگر تورید مفاهیم عرفانی در شعر دانسته اند؛ اما مطالعه شعر شیخ الاسلام انصاری، بیانگر تقدّم وی در این امر به شمار می رود و او از کسانی است که عرفان را در قالب شعر و نظم، عرضه جامعه معاصر خود و دوره های بعد ساخته است.

واژه های کلیدی: شعر، انصاری، عرفان، معنویت گرایی، تأثیرگذاری.

مقدمه

ابو اسماعیل خواجه عبد الله انصاری ملقب به شیخ الاسلام (۳۹۶-۴۸۱ ه.ق.) و معروف به پیر هرات، از احفاد ابویوب انصاری صاحب رحل رسول الله صلی الله علیه و سلم بوده است (ابن حزم؛ ۱۹۰۰: ص ۳۴۵). وی در شهر هرات زاده شده، در همین شهر تربیت یافته و رشد کرده است. همچنان در همین شهر وفات یافته و مزارش در دامنه گازرگاه واقع است. پیر هرات همان گونه که مرشدی آگاه و دانشمندی بزرگ بود، در سخنوری نیز توانایی ویژه داشت و توانست در ادب فارسی دری و عربی جایگاه والا داشته باشد.

شیخ الاسلام انصاری هرچند در حوزه ادبیات، در شعر و نثر استعداد والایی داشته؛ اما شعرش در نزد اهل ادب کمتر شناخته شده و شهرت یافته است. وی بیشتر با آثار منشور مسجعش در مجامع ادبی مطرح بوده و در نگاه صاحب نظران، متعالی پنداشته شده است. این بدان سبب بوده که آثار منشور پیر هرات بیشتر از نابودی در امان مانده اند؛ برخلاف آثار منظوم وی که اغلب به فنا دچار شدند و رهسپار کشور عدم گردیدند.

عدم وجود اثر مدوّن از شعر پیر هرات باعث شده تا در زمینه کدام پژوهشی صورت نگیرد و کمتر به جایگاه پیر هرات در حوزه شعر پرداخته شود. این در حالی است که در مورد آثار منشور وی مقالات و رسالات متعدد و کافی نگاشته شده اند. روی این اساس بحث در مورد شعر شیخ الاسلام انصاری در حوزه پژوهش نیاز مبرم دانسته می شود. این مقاله به بررسی شعر پیر هرات و چند و چون آن خواهد پرداخت.

استعداد پیر هرات در سرایش شعر

نبوغ استعداد شیخ الاسلام انصاری در همه بخشهای ادب و دانش از خوردسالی و کودکی متبارز بوده است. توانایی فوق العاده پیر هرات در سرایش شعر عربی که در خورد سالی وی به گونه بدیهی صورت می گرفت، استعداد وی در سرایش شعر فارسی دری را به نمایش می گذارد؛ زیرا وقتی ثابت است که او به گونه بدیهی به سرایش شعر عربی می پرداخته، بدون شک در سرایش شعر فارسی دری از آن هم دست بالاتری داشته است. همچنان که در تذکرها یادآوری شده و نمونه های کافی در دست است، خواجه انصار به هر دو زبان فارسی دری و عربی بدون تکلف شعر می سروده است. وی به دو زبان یادشده تسلط داشته، در هر دو میدان شعر و نثر طبع آزمایی کرده و آثاری به یادگار گذاشته است. در طبقات الصوفیه پیر هرات سراسر اشعار نقل شده عربی اند و جز یک بیت فارسی دری به کار نرفته است؛ اما برعکس در رسایل فارسی دری او هرچه هست شعر فارسی دری است؛ جز بیت های محدود و معدود عربی که گاهی مشاهده شده اند. (انصاری؛ ۱۳۸۰: ص ۳۳۸).

دست داشتن پیر هرات در شعر فارسی دری، با توجه به توانایی طبیعی او در سجع پردازی و تجربه دراز مجلس های وعظ و تذکیر و خطابه، ویژه گی هایی به رسایل او داده که در آثار مشابیه چون گلستان سعدی، بهارستان جامی و روضة الشهداء کاشفی و معارج النبوة مولانا معین دیده می شود. بنابراین، معیار سرایش شعر و استعداد شعری وی را می توان در دو حوزه شعر فارسی دری و عربی به بررسی گرفت.

سرایش شعر عربی

وجود استعداد فوق العاده شیخ الاسلام انصاری و تبخر وی در لغت عرب، توانایی او را در سرایش شعر عربی مسجل ساخته و باعث شده بود که اشعار بسیاری به این زبان بسراید. مولانا جامی از وی نقل کرده که گفته است: «مرا شش هزار شعر تازی است». (جامی؛ ۱۳۶۵:

ص ۴۰۵).

پیر هرات از کودکی به سرایش شعر عربی توانایی خاصی داشته است؛ طوری که هم خوب و هم بدیهی می‌سروده است. استعداد خارق العاده وی معروف و مشهور است. مولانا جامی روایت کرده که شیخ الاسلام گفته است: پسری از خویشان خواجه یحیی عمار با من در دبیرستان بود. من بر بدیهه شعرهای تازی می‌گفتم و هرچیز که کودکان از من خواستندی که در فلان معنی شعری بگوی بگفتم؛ زیاده از آنکه آن کس خواسته بودی. وقتی آن پسر، پدر خود را گفته بود که وی در هر معنی که خواهد شعر گوید، پدر وی فاضل بود گفت: چون به دبیرستان شوی، از وی خواه که این بیت را تازی کند:

روزی که به شادی گذرد روز همان است

وان روز دگر روز بد اندیشان است

من در وقت بگفتم:

و یوم الفتی ما عاش فی مسرة

و سائرہ یوم الشقاء عصب

رم الوصل مادمت السعادة فالدجی

بتنغیص عیش الاکرمین رقیب

به همین گونه هنگامی که از وی خواسته بودند که این مصراع را به عربی برگردان کند:

«آب آید باز در جویی که روزی رفته بود» او گفته بود:

عهدنا الماء فی نهر و نرجوا

کما زعموا رجوع الماء فیه

و هم از وی نقل شده که کودکی بود در دبیرستان، نیکوروی و ابوحامد نام، یکی گفت

برای وی چیزی بگوی. من گفتم:

لابی حامد وجه قمر اللیل غلامه

و له لحظ غزال رشق القلب سهامه (جامی؛ ۱۳۶۵: ص ۳۳۳).

سرایش شعر فارسی دری

سرایش شعر عربی از جانب شیخ الاسلام، با معیاری که یادآوری شد می‌رساند که وی در زبان فارسی دری که زبان مادری وی بوده، اشعار بیشتری را سروده باشد. بدین گونه به طور قطع باید گفت که هرچند پیر هرات در حوزه ادب، به ایجاد نثر فارسی دری معروف است؛ اما در شعر هم جایگاه بالایی داشته است. طوری که یادآوری شد، تذکره‌ها و کتب تراجم و طبقات بیانگر کثرت سرایش شعر وی اند. حاجی خلیفه در کشف الظنون گفته است: «شیخ الاسلام انصاری دارای سه دیوان شعر فارسی بوده است». (حاجی خلیفه؛ ۱۹۴۱: ج ۱، ص ۷۹۹).

هرچند اهل تحقیق، پیر هرات را از مطالعه آثار منشورش به عنوان عارفی وارسته و نثرنویسی متعالی شناخته‌اند؛ اما سروده‌های منظومش در قالب قصیده، غزل، رباعی، مثنوی و تک‌بیتها در رسایلش مشهود اند که از جایگاه ادبی والایی برخوردار اند. به همین گونه قصاید و غزلهایش که بیشتر تخلص وی در مقاطع آنها آمده است، با محتوای عرفان و معنویت پروری از نگاه ادبی منزلت متعالی دارند؛ از همین رو، هرچند اهل ادب، سنایی را به عنوان بانی غزل و غزلسرایی می‌شناسند و او را نخستین کسی شمرده‌اند که عرفان و تصوف را وارد شعر فارسی دری ساخته و نهادینه کرده است؛ اما پیر هرات اولین شاعری است که غزل را به طرز درست و معیاری آغاز کرده و نیز مفاهیم ناب عرفانی و افکار صوفیانه را در شعرش به کار برده است؛ بنابراین، خواجه انصار را در زمره نخستین کسانی می‌توان دانست که غزل عارفانه سروده‌اند و سنگ بنای غزل عرفانی را در ادبیات فارسی دری نهاده‌اند. شاید علت اینکه نویسنده گان تاریخ ادب پارسی دری، در هنگام یادآوری از نخستین سراینده شعر عرفانی، از سنایی یاد

کرده و از پیر هرات کمتر چیزی گفته اند، آن باشد که از اشعار شیخ الاسلام انصاری کمتر به دسترس داشته اند؛ برخلاف حکیم سنایی که خود اشعارش را جمع آوری و تدوین کرده بود و خوشبختانه باقی مانده اند.

اشعار باقی مانده پیر هرات

طوری که پیشتر یادآوری شد، شیخ الاسلام انصاری در سرایش شعر فارسی دری و عربی یدِ طولی داشته و تذکره نگاران دیوانهای شعری را به وی نسبت داده اند؛ اما تطاول روزگار مانند هزارها اثر ارزنده، اشعار و دیوانهای پیر هرات را محو کرده و با تأسف که از وی اثر منظومی مدوّن باقی نمانده و همه به مرور زمان رهسپار دیار عدم شده است. تنها چیزی که از شعر او باقی مانده و در دسترس است، در ضمن آثار منثور وی قابل دسترسی اند و مورد توجه اهل دانش و ادب قرار گرفته اند. نگارنده این مقاله در حین نگارش «تاریخ ادبیات هرات»، با مطالعه سخن حاجی خلیفه که گفته بود، پیر هرات سه دیوان شعر داشته است بر آن شد تا به جستجوی اشعار بازمانده از پیر هرات بپردازد. بعد از مطالعه و تفحص تقریبی تمام آثار فارسی دری و عربی پیر هرات، معلوم شد که از شیخ الاسلام مقدار قابل اعتنائی شعر باقی مانده است؛ از اینرو، به جمع و تدوین آنها پرداخت که ان شاء الله در آینده‌ها به چاپ خواهد رسید.

بیشترین اشعار پیر هرات که قابل مطالعه اند، در رساله کُنز السالکین و گنجنامه آمده اند که قصیده، غزل، قطعه، مثنوی، رباعی و گاهی هم تک بیتهایی اند؛ اما در شماری از رساله‌های فارسی دری خواجه، مانند رساله چهل و دو فصل، رساله صد میدان، رساله سؤال دل از جان، رساله مناجات و فواید، رساله واردات، رساله مقالات خواجه، رساله کلمات و رساله فواید کمتر شعر به کار رفته است. همچنان در رساله منازل السائرین خواجه، جز یک شعر معروف که سه بیت است، (انصاری؛ بی سال: ۱۳۹) دیگر چیزی از شعر نیامده است.

بنیاد رساله‌های پرده حجاب حقیقت ایمان، کنز السالکین و قلندر نامه، بر ترکیبی از شعر و

نثر گذاشته شده و بر همین اساس، کاربرد قالبهایی از رباعی، غزل، قصیده و مثنوی را در ساختمان کنز السالکین و گنجنامه می توان مشاهده کرد؛ اما اشعار عربی شیخ الاسلام، بیشتر در طبقات الصوفیه قابل مطالعه اند؛ جز شمار اندکی که در سایر آثار او و نیز در برخی کتابهای دیگر نویسنده گان، مشاهده می شوند. این اشعار که نسبت به اشعار فارسی دری خواجه کمتر اند، هرچند در هیچ کدام تخلُّص پیر هرات نیامده؛ اما در نسبت آنها به شیخ الاسلام انصاری هیچ شکی وجود ندارد؛ زیرا، در منابع قابل مطالعه تصریح شده که از پیر هرات اند.

در طبقات الصوفیه اشعار خود پیر هرات و اشعار مشایخ صوفیه و شاعران عرب به مناسبتهای گوناگون ذکر شده اند؛ ولی «به نظر می رسد اکثریت عظیم اشعار فارسی دری رسایل، سروده های خود پیر هرات باشد که در قالبهایی مانند غزل و قصیده و رباعی و قطعه و مثنوی است». (مولایی؛ ۱۳۸۰: شصت و هفت).

در طبقات الصوفیه که اشعار زیادی از سایر افراد و شخصیتها نیز آمده، جمع آورنده آن کتاب، حین آوردن اشعار، هرگاه که شعری را از شیخ الاسلام یا دیگران درج کرده، در داخل متن کتاب به گونه مشخص بیان داشته و تصریح کرده که از خود پیر هرات است یا از دیگران؛ به گونه مثال در نسبت اشعار به شیخ الاسلام انصاری، گاهی پیش از آوردن شعر یا اشعاری در طبقات الصوفیه گفته است: «انشدنا الامام:» (۱۳۸۰: ص ۱۰)، یا گفته است: «انشدنا الامام للقایل:» (۱۳۸۰: ص ۱۵)، یا گفته است: «انشدنا شیخ الاسلام لنفسه:» (۱۳۸۰: ص ۱۹)، یا گفته است: «انشدنا لنفسه». (۱۳۸۰: ص ۲۰).

به اساس پژوهش نگارنده که در نتیجه به تدوین دیوان اشعار پیر هرات انجامید، می توان به گونه تقریبی اشعار موجود پیر هرات را با این ارقام تخمین کرد:

در حدود ۲۰ قصیده؛ ۲. در حدود ۵۰ غزل؛ ۳. در حدود ۲۰۰ رباعی؛ ۴. در حدود ۴۵۰ بیت مثنوی؛ ۵. در حدود ۲۵ قطعه؛ ۶. در حدود ۸۰ بیت پراکنده فارسی دری؛ ۷. در حدود

۱۰۰ بیت عربی.

همه اشعاری که یادآوری شدند، انتساب آنها به شیخ الاسلام با واقعیت همراه است؛ چه تخلص وی به گونه‌های متفاوت در آنها ذکر شده است. تنها در انتساب برخی رباعیات و قطعات احتمال شک و تردید وجود دارد؛ چه تشخیص آنها مشکل به نظر می‌رسد.

تأثیر گذاری بر شعر دیگران

جایگاه عالی و تقدّم پیر هرات در عرصه دانش و ادب باعث شده که اهل دانش و ادب در دوره‌های بعد به وی توجه شایانی داشته باشند. اشعار پیر هرات که قالبهای گوناگون دارند، اغلب مشتمل بر شوق و شور گوینده آن به عالم حقیقت اند و معنویت گرایی را به نمایش می‌گذارند. تأثیر گذاریهای پیر هرات بر دیگران به حدی است که به اساس این تشابه و تأثیر گذاری، برخی از اهل نظر تصریح کرده اند که «قسمتی از رباعیات وی در رباعیات خیام مخلوط شده است». (فروزانفر؛ ۸۷۱۳: ص ۳۳۴).

ملاحظه آثار قرنهای بعد از خواجه می‌رساند که شعر پیر هرات از نگاه قالب و محتوا مورد توجه سخنوران این دوره‌ها قرار گرفته اند و بدین طریق بسیاری از مضامین عرفانی، مواجید، مناجاتها، تعبیرها و ترکیبهای او را در آثار شاعران و نویسندگان دوره‌های بعد می‌توان یافت. در این مقام به پاره‌یی از آنها اشاره می‌شود:

پیر هرات گفته است:

اختیار ما چه سنجد پیش تقدیر اله

جمله را چون گوی گردان کرده چوگان ازل (انصاری؛ ۱۳۸۰: ص ۵۶۸).

حافظ می‌گوید:

گریه حافظ چه سنجد پیش استغنائی عشق

کاندرین دریا نماند هفت دریا شبنمی (حافظ؛ ۱۳۸۲: ص ۳۸۳).

پیر هرات گفته است:

آنها که عاشقان ترا طعنه می زنند

معدور دار شان که رخت را ندیده اند (انصاری؛ ۱۳۸۰: ص ۴۹۷).

حافظ نیز گفته است:

منعم مکن ز عشق وی ای مفتی زمان

معدور دارمت که تو او را ندیده ای (حافظ؛ ۱۳۸۲: ص ۳۴۸)

پیر هرات گفته است:

شرم باد از حضرت حق آدمی را هر سحر

کو به خواب غفلت است و حمد گویان فاخته (انصاری؛ ۱۳۲۸: ص ۱۲۸)

سعدی گوید:

گفتم این شرط آدمیت نیست

مرغ تسبیح گوی و من خاموش

علاوه بر اینها باید گفت که در سروده های پیر هرات شعری با پنج بیت با ردیف «درویشان است» وجود دارد که در رسایل فارسی دری او آمده است. با همین وزن و ردیف در دیوان خواجه شیراز نیز سروده یی موجود است که قوافی صحبت و خدمت در آنها مشترک است. غزل خواجه، شش بیت و غزل حافظ، سیزده بیت است. (مولایی؛ ۱۳۸۰: هشتاد و دو)

در میان غزلها و قصاید عرفانی پیر هرات، غزلهایی وجود دارند که از شور و شوق و وجد و حال لبریز اند و از زهد و پند و موعظه کمتر نشانه هایی در آنها دیده می شود و شور و حال موجود در آنها یادآور غزلهای مشابه سنایی و مولوی بلخی است. گویا اینکه مولانا و دیگران از وی در سرودن غزلهای شان اقتفا کرده باشند؛ چنان که غزلی در عین وزن و با شباهتهای موضوعی. همچنان که خواجه انصار سروده، در دیوان شمس نیز مشاهده می شود، بدین گونه:

ای دل تو خدا بین شو تا زنده شوی با ما
 چون شمع شوی روشن تابنده شوی با ما (انصاری؛ ۱۳۸۰: ص ۶۰۷).
 در دیوان شمس غزلی چنین آمده است:
 گر زانکه نی‌ای طالب جوینده شوی با ما
 و ر زانکه نه‌ای مطرب گوینده شوی با ما (مولایی؛ ۱۳۸۰: ص هشتاد).

بررسی محتوای شعر پیر هرات

مطالعه و ملاحظه محتوای اشعار پیر هرات موضوعات و محورهای متعددی را آشکار می‌سازد که شیخ الاسلام انصاری در شعرش به بیان آنها پرداخته است. به طور کلی این محورها عبارت اند از: پند و موعظه در قصاید و غزلها و مثنویها؛ نظریه پردازیهای عارفانه در قصاید و رباعیات و اشعار عربی؛ وصف پدیده‌های طبیعی به گونه ابزاری، در غزلها و قصاید و مثنویها. اینک موارد یادشده در زیر به طور کوتاه به بحث گرفته می‌شوند:

الف. موعظه و پند

شیخ الاسلام انصاری عارفی است که به اجتماع انسانی توجه دارد و به اصلاح جامعه کوشیده است. او جامعه‌یی می‌خواهد بر اساس عدالت و عاری از هرگونه ستم و بیدادگری؛ از این رو، بخشی از سخنان پیر هرات در شعر، رهنمایی عموم مردم به سوی خوبیها و زنده‌بازی، همراه با صداقت و دوری از هرگونه نابه سامانیهاست. در این مقام شعری از وی نقل می‌شود که با سرایش آن به تقبیح ظلم می‌پردازد و از عواقب شوم بیدادگری برحذر می‌دارد:

مکن که آه فقیری شبی برون تازد
 هزار هم‌چو تو از خاندان براندازد
 ز تیر آه یتیمی مگر نمی ترسی

ز سوز سینه پیری که ناوک اندازد
 حذر نمای از آن ناله سحرگاهی
 که گر به کوه زند روزنی در آن سازد
 به وقت نیمه شبی گر بگوید ای الله
 فغان و ناله به عرش و ملایک اندازد
 هزار جوشن فولاد اگر بپوشی تو
 ز آه گرم فقیری چو موم بگدازد
 متاز بر سر مظلوم ساکن ای ظالم
 که دست فتنه ایام برسرت تازد
 اگر بحل نکند سایل ستمدیده
 جزا دهنده ترا در جهنم اندازد
 ز بار جور لئیمان منال عبدالله
 که گر خسی بزند کردگار بنوازد

پیر هرات عمر را برباد رفته می داند و به مخاطبان خویش می فهماند که به این دنیای فانی
 دل نبندند و طالب حیات جاودانی و سرمدی باشند؛ در ضمن شعری چنین گوید:

ای قیاس عمر تو بر سان باد
 هر زمانی قوت تو از خوان باد
 ای به بادی زنده مغروری مکن
 اعتمادی نیست بر جولان باد
 عمر خود بر باد دادی ای دریغ
 خواجگی ها کرده از همیان باد

عاقبت بر باد خواهد داد اجل

چون سلیمان گر شوی سلطان باد

باد پیمایی مکن انصاریا

می‌نگویی چیستی انبان باد (انصاری؛ ۱۳۲۸: ص ۵۱)

ب. نظریه پردازی عارفانه

از موضوعاتی که در شعر شیخ الاسلام انصاری مطرح شده و نقش بنیادین دارند، مفاهیم و مقوله‌های عرفانی و صوفیانه است. به گونه دقیق بیشتر شعر پیر هرات، عارفانه و صوفیانه است و موضوعات عمده اشعار او را که در قالبهای مختلف سروده شده اند، زهد و عرفان تشکیل داده و در آنها ترکیبات و تعبیرات ویژه‌ای به کار رفته اند که مخصوص کلام او هستند؛ مانند خائنه حسبی الله، بارگاه لی مع الله، مسجد اقصای نیم شب، مصلائی نیم شب، سندان ازل، تنور شب، دختران باقیات صالحات، شهباز ارجعی، طور شب، طور بقا، جرعه انگور، ساقی سحرگه، سقای نیم شب، یعقوب سرّ، یوسف ولاء و امثال اینها که همه از ابداعات خود او به شمار می‌روند و در سخن و شعر کسانی دیگر کمتر یافت می‌شوند.

از نظر بیان معانی عرفان و تصوف، تعالیم طریقت و دریافتهای خاص قلمرو اسرار و رموز صوفیه، پیر هرات را باید نخستین کسی دانست که علاوه بر رباعی، قالبهای دیگر شعری را در خدمت عرفان و تصوف در آورده و از این نظر بر دیگران فضل تقدم دارد و پیشاهنگی او در این میدان نیز مسجل می‌شود. اینک شعری نقل می‌شود که در منابع زیادی از وی روایت شده و همواره در مناقشات توحید و جودی و شهودی مطرح است:

مَا وَحَدَ الْوَاحِدُ مِنْ وَاحِدٍ

إِذْ كُلٌّ مِنْ وَحْدِهِ جَاحِدٌ

تَوْحِيدٌ مِّنْ يَنْطِقُ عَنْ نَعْتِهِ

عَارِيَةٌ أَبْطَلَهَا الْوَاحِدُ

توحیده ایّاه توحیده

ونعت من يُنَعِّتُهُ لَاحِدٌ (انصاری؛ ص ۱۳۹؛ انصاری؛ ۱۳۸۰؛ ص ۱۸۱؛ جامی؛ ۱۳۶۵؛ ص ۱۹)

ج. وصف پدیده‌ها

وصف پدیده‌های طبیعی نیز از مواردی است که در شعر خواجه انصار گاهی به چشم می‌خورد و او توانسته با موفقیت به توصیف رازهای طبیعت پردازد. این ویژه گی توانایی پیر هرات را در همه ابعاد سرایش شعر برانزده می‌سازد. وی در وصف طبیعت در شعری چنین سروده است:

آرامگه هزار شیدا

آن سبزه و آب و صحن صحرا

آواز نوای بلبل مست

لاله قدح شراب بر دست

سنبل سر زلف شانه کرده

وز ناز سمن بهانه کرده

ایام بهار و روز نوروز

مردم همه در نشاط آن روز

بر هر طرفی شکفته باغی

آراسته تر ز شب چراغی

چون باغ بهشت خرم و خوش

از بوی گل آن مقام دلکش (انصاری؛ ۱۳۸۰: ص ۶۱۹؛ انصاری؛ ۱۳۲۸: ص ۱۰۸).
 هرچند در این شعر غزل گونه، تخلص خواجه نیامده؛ اما ذکر آن در دو اثر پیر هرات،
 انتساب آن به وی را مسجل و به یقین نزدیک می‌سازد.
 گسترده ترین زمینه وصف در نثر و شعر پیر هرات، به تمرکز روی شب اختصاص دارد، تا
 آنجا که او را می‌توان وصاف و مدافع شب و شب زنده داران و شبروان نامید. وصف شب در
 کلام پیر هرات بسیار آمده و اینک غزلی در این زمینه نقل می‌شود:

شب چیست چراغ جاودانی

یا شعله شمع آن جهانی

شب برقع اطلس سیاه است

بر چهره شاهد معانی

در طور شب است نور معنی

جان مست شراب لن ترانی

با عاشق اشک ریز شب خیز

شب راست کرشمه نهانی

شب چیست به قول پیر انصار

سرچشمه آب زندگانی

ای دولت سین سر جانت

گر عزت شین شب بدانی (انصاری؛ ۱۳۸۰: ص ۵۵۶؛ انصاری؛ ۱۳۲۸: ص ۸).

نتیجه گیری

از آنچه در این مقاله گفته آمد نتیجه به دست می‌آید که پیر هرات در پهلوی آثار منشور
 خویش، در شعر نیز دستی توانا داشته است. او اشعار زیادی را در حوزه شعر عرفانی و تعلیمی
 سروده است؛ اما از آن همه شعری اندکی باقی مانده است که باز هم قابل اعتنا می‌باشد. اشعار

شیخ الاسلام انصار در قالبهای قصیده، غزل، رباعی، مثنوی و قطعه سروده و ارائه شده اند؛ به همین گونه وی در سرایش شعر عربی نیز قدرت بالایی داشته و اشعار عربی وی در تذکره‌ها و آثار خودش ثبت اند.

محتوای شعر پیر هرات را بیشتر عرفان آمیخته به زهد و تقوا تشکیل داده است. به همین گونه اشعار وی دارای سوز و گداز خاصی است که مایه‌یی از محبت و عشق را در خود پرورش داده است. توصیف پدیده‌ها و امور کونی نیز شعر شیخ الاسلام انصاری را متبازر ساخته و آن مرد بزرگ برای به دست دادن مفاهیم نابی از معنویت و عرفان، از چنین اموری استفاده ابزاری نموده است.

منابع

۱. ابن حزم اندلسی قرطبی ظاهری، ابو محمد علی بن احمد بن سعید. (۱۹۰۰م). جوامع السیره و خمس رسائل آخری لابن حزم. تحقیق إحسان عباس. مصر: چاپ اول، دار المعارف.
۲. انصاری، خواجه عبد الله. (۱۳۸۰). **مجموعه رسایل خواجه عبد الله** انصاری. به تصحیح و مقدمه محمد سرور مولایی. تهران: چاپ دوم، انتشارات توس.
۳. انصاری، خواجه عبد الله. (۴). **منازل السائرین**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴. انصاری، خواجه عبد الله. (۱۳۲۸ه.ق). گنجنامه. به سعی و اهتمام حاجی بهادر خان و زکریا خان. پشاور: چاپ دوم، کتابخانه نعمانی.
۵. انصاری، خواجه عبد الله. (۱۳۸۰). **طبقات الصوفیه**. با تصحیح و حواشی و تعلیقات عبدالحی حبیبی و به کوشش حسین آهی. تهران: چاپ دوم، انتشارات فروغی.
۶. جامی، نورالدین عبدالرحمن. (۱۳۶۵). **نفحات الانس من حضرات القدس**. با مقدمه مهدی توحیدی پور. تهران: چاپ اول، امیر کبیر.

۷. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبد الله کاتب جلی القسطنطینی. (۱۹۴۱م). **کشف الظنون**

عن أسامي الكتب والفنون. شش جلد. بغداد: مكتبة المثنی.

۸. حافظ، شمس الدین محمد شیرازی. (۱۳۸۲هش). **دیوان حافظ**. با مقدمه پژمان

بختیاری. ایران: چاپ هفتم، انتشارات پیک فرهنگ.

۹. فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۸۷). **تاریخ ادبیات ایران از اسلام تا تیموریان**. ایران:

چاپ دوم، چاپخانه قدس رضوی.

۱۰. مولایی، محمد سرور. (۱۳۸۰). **مقدمه رسایل فارسی خواجه عبد الله انصاری**.

تهران: چاپ دوم، انتشارات توس.